



گوریل نام — رئی

کریستوفرچ — ابریس ودانیل سایمونز

گوریل نامہ

کریستوفر، چابریس، ۱۹۳۳ م. / - 1966 Chabris, Christopher F.
 سایمونز، دانیل ج. ۱۹۶۹ م. / - 1969 Simons, Daniel J.
 گوریل نامرئی / نویسندگان کریستوفر چابریس و دانیل سایمونز: مترجم عہدیہ عبادی؛
 ویراستار رامین کریمی. نشر سایلاو ۱۴۰۱ / شابک: ۷-۵۰-۷۱۲۴-۶۲۲-۹۷۸
 عنوان اصلی: The invisible gorilla: and other ways our intuitions deceive us
 فروست: مجموعه مطالعات میان رشته‌ای، کتابخانه جهان مغز.
 موضوع: Memory / Thought and thinking / Perception
 موضوع: ادراک - اندیشه و تفکر - حافظه
 شناسه افزوده: عبادی، عہدیہ، ۱۳۵۷ -، مترجم
 رده بندی کنگره: ۳۲۱ BF رده بندی دیویی: ۱۵۳/۷۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۸۲۷۳۲

www.ketab.ir

گوریل نامرئی: و راه‌های دیگری که شهود ما فریبمان می‌دهد
 نویسندگان: کریستوفر چابریس و دانیل سایمونز
 مترجم: عہدیہ عبادی - ویراستار: رامین کریمی
 مجموعه مطالعات میان رشته‌ای - کتابخانه جهان مغز
 نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲ - تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
 چاپ و صحافی: ترانه - شابک: ۷-۵۰-۷۱۲۴-۶۲۲-۹۷۸
 - همه حقوق چاپ و نشر منحصراً برای نشر سایلاو محفوظ است.

نشانی: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، لبافی نژاد غربی
 پلاک ۲۱۱ / واحد ۳ - تلفن: ۶۶۱۲۸۶۴۱-۰۲۱



۵	در ستایش گوریل نامرئی
۹	مقدمه
	فصل اول
۱۳	۱. «فکر می‌کنم می‌دیدم»
	فصل دوم
۶۱	۲. مربی‌ای که خفه می‌کرد
	فصل سوم
۱۰۳	۳. وجه اشتراک شطرنج بازان باهوش و مجرمان احمق
	فصل چهارم
۱۴۳	۴. آیا باید بیشتر شبیه کارشناس هواشناسی باشیم یا مدیر صندوق پوششی؟
	فصل پنجم
۲۰۱	۵. نتیجه‌گیری شتاب زده
	فصل ششم
۲۲۳	۶. به سرعت باهوش شوید!
	نتیجه‌گیری
۲۶۹	افسانه شهود
	ضمائم
۲۹۱	پس‌گفتار
۳۰۷	یادداشت‌ها

مقدمه

خطاهای ادراکی روزمره

«سه چیزی نهایت سخت است: فولاد، الماس و شناخت خود.»

- بنجامین فرانکلین، سالنمای ریچارد بیچاره (۱۷۵۰)

حدود دوازده سال پیش، در یکی از کلاس‌های روان‌شناسی که در دانشگاه هاروارد تدریس می‌کردیم، آزمایش ساده‌ای را با دانشجویان انجام دادیم. این آزمایش در کمال شگفتی ما به یکی از مشهورترین آزمایش‌های روان‌شناسی تبدیل شده است، در کتاب‌های درسی گنجانده شده و در کلاس‌های روان‌شناسی مقدماتی در سراسر جهان تدریس می‌شود. همچنین در مجلاتی مانند نیوزویک^۱ و نیویورکر^۲ و برنامه‌های تلویزیونی از جمله دیتالین ان بی سی^۳ به تصویر کشیده شده است. حتی در اکسپلوراتوریوم^۴ سانفرانسیسکو و موزه‌های دیگر به نمایش گذاشته شده است. دلیل محبوبیت این آزمایش این است که به شکلی طنزآمیز، چیزی غیرمنتظره و عمیق را در مورد ما آشکار می‌کند؛ اینکه جهان خود را چگونه می‌بینیم - و چه چیزهایی را نمی‌بینیم.

با خواندن فصل اول این کتاب می‌توانید اطلاعات کاملی در مورد این آزمایش به دست آورید. ما پس از سال‌ها پژوهش دریافته‌ایم که این آزمایش، اصل کلی‌تری را در مورد نحوه کارکرد ذهن بیان می‌کند. همه ما بر این باوریم که می‌توانیم آنچه را که در برابرمان

1. Newsweek
2. The New Yorker
3. Dateline NBC
4. Exploratorium

وجود دارد ببینیم، رویدادهای مهم گذشته‌ی خود را به‌طور دقیق به خاطر بیاوریم، محدودیت‌های دانش خود را درک کنیم و تعیین علت و معلول را به‌درستی انجام دهیم. اما این باورهای شهودی غالباً اشتباه هستند و محدودیت‌های بسیار مهم توانایی‌های شناختی ما را پنهان می‌کنند.

باید به ما یادآوری شود که هیچ چیزی را از روی ظاهر قضاوت نکنیم، چراکه معمولاً ظاهر بیرونی را تبلیغ دقیقی از ویژگی‌های نادیده و درونی می‌دانیم. باید به ما گفته شود که پس‌انداز کردن مثل پول درآوردن ارزشمند است، چون معمولاً پول نقد و پس‌انداز خود را متفاوت می‌بینیم. جملات قصاری مانند این‌ها تا حد زیادی کمک می‌کنند تا از اشتباهاتی که شهود می‌تواند ایجاد کند بپرهیزیم. به همین ترتیب، جمله بنجامین فرانکلین^۱ در مورد چیزهای بی‌نهایت سخت نشان می‌دهد که باید این باور شهودی که شناخت خوبی از خودمان داریم را مورد تردید قرار دهیم. ما در زندگی خود طوری وانمود می‌کنیم که گویی می‌دانیم کارکرد ذهنمان چگونه است و چرا رفتارمان به‌گونه‌ای است که هست. عجیب اینجاست که بیشتر اوقات واقعاً چیزی نمی‌دانیم.

گوریل نامرئی کتابی درباره‌ی نقش خطای ادراکی^۲ روزمره است که تأثیری عمیق بر زندگی ما دارند: خطاهای ادراکی توجه، حافظه، اعتماد به نفس، دانش، علت و پتانسیل. این‌ها باورهای تحریف‌شده‌ی ما در مورد ذهن خودمان هستند که نه فقط اشتباه، بلکه به طرز خطرناکی اشتباه هستند. اینکه این خطاهای ادراکی چه مواقعی و به چه دلیل بر ما تأثیر می‌گذارند، چه پیامدهایی برای امور انسانی دارند و چگونه می‌توان بر تأثیر آن‌ها غلبه کرد یا آن را به حداقل رساند، از جمله مواردی است که در این کتاب بررسی خواهیم کرد.

دلیل استفاده ما از کلمه «خطاهای ادراکی»، تشبیه آگاهانه آن به خطاهای ادراکی دیداری مانند پلکان بی‌پایان مشهور موریس اش^۳ است؛ شما با دیدن این تصویر، حتی پس از اینکه متوجه می‌شوید که چیزی در مورد آن به‌کلی نادرست است، باز هم نمی‌توانید هر بخش جداگانه را به‌صورت یک پلکان واقعی نبینید. خطاهای ادراکی روزمره نیز به همین شکل پایدار هستند؛ حتی پس از پی بردن به نادرستی باورها و شهودمان،

1. Benjamin Franklin

2. illusion

3. M. C. Escher

سرسختانه در برابر تغییر آن‌ها مقاومت می‌کنیم. ما آن‌ها را از این جهت خطاهای ادراکی روزمره می‌نامیم که واقعاً به صورت روزانه بر رفتار و عملکرد ما تأثیر می‌گذارند. هربار که موقع رانندگی یا تلفن همراه صحبت می‌کنیم و در عین حال برای ما باوریم که توجه کافی به جاده داریم، تحت تأثیر یکی از این خطاهای ادراکی قرار گرفته‌ایم. هربار که تصور می‌کنیم کسی که گذشته خود را اشتباه به یاد می‌آورد دروغ می‌گوید، تسلیم یک خطای ادراکی شده‌ایم. هربار که رهبری را برای یک تیم انتخاب می‌کنیم که بیشترین اعتماد به نفس را نشان می‌دهد، تحت تأثیر یک خطای ادراکی قرار گرفته‌ایم. هربار که پروژه جدیدی را با این اطمینان که می‌دانیم تکمیل آن چه مدت به طول می‌انجامد شروع می‌کنیم، دچار یک خطای ادراکی هستیم. در واقع تقریباً هیچ حوزه‌ای از رفتارهای انسانی مصون از خطاهای ادراکی روزمره نیست.

ما به عنوان استادانی که از راه طراحی و اجرای آزمایش‌های روان‌شناسی گذران زندگی می‌کنیم، دریافته‌ایم که با مطالعه هر چه بیشتر ماهیت ذهن، تأثیر این خطاهای ادراکی را در زندگی خود بیشتر می‌بینیم. شما هم می‌توانید همین نوع دید ماورایی را نسبت به کارکرد ذهن خود داشته باشید. پس از خواندن این کتاب، این توانایی را خواهید داشت که نگاهی به پشت پرده بیندازید و چرخ‌دنده‌های ریز حاکم بر افکار و باورهای خود را ببینید. وقتی خطاهای ادراکی روزمره را بشناسید، دنیا را متفاوت خواهید دید و تفکر واضح‌تری درباره آن خواهید داشت. خواهید دید که چگونه خطاهای ادراکی بر افکار و اعمال شما و همچنین رفتارهای اطرافیان شما تأثیر می‌گذارند و وقتی روزنامه‌نگاران، مدیران، تبلیغ‌کنندگان و سیاستمداران در تلاش برای ایجاد ابهام یا متقاعدسازی، از خطاهای ادراکی سوءاستفاده - آگاهانه یا تصادفی - می‌کنند، متوجه خواهید شد. آشنایی با خطاهای ادراکی روزمره باعث می‌شود بتوانید با در نظر گرفتن محدودیت‌ها و توانایی‌های واقعی ذهنتان، روش زندگی خود را از نو تنظیم کنید. حتی ممکن است با هدف سرگرمی و سودجویی، به راه‌هایی برای بهره‌برداری از این بینش دست یابید. در نهایت، با کنار زدن پرده‌هایی که درک ما از خودمان و جهان را مخدوش می‌کنند، خواهید توانست - شاید برای اولین بار - با واقعیت ارتباط برقرار کنید.